

ابهامات استراتژیک ایران و آمریکا

تلاش ایران برای ایفای نقش فعال تر در منطقه و جهان، همچنان ادامه دارد.

است. هم اکنون در گزارشات وزارت دفاع، سازمان اطلاعات مرکزی و وزارت امور خارجه آمریکا، نام ایران در زمره کشورهای تهدیدکننده منافع ملی آمریکا قرار داده شده است. لذا از نظر آمریکایی ها، ایران در محور اصلی تقابل با آنها قرار گرفته است.

در حال حاضر آمریکایی ها نسبت به محیط بین الملل در قالب "استراتژی عدم اطمینان" رفتار می کنند. به موازات، آنان تلاش دارند جدال های استراتژیک خود را بر اساس تهدیدات احتمالی گسترش دهند.

آمریکایی ها گام اول جدال های استراتژیک خود را با افغانستان آغاز نمودند، زیرا طالبان به عنوان یک نیروی اجتماعی که زمینه های جدال با آمریکا را به وجود آورده بود، توانست در زمان محدودی به عنوان یک نیروی چالش گر، نقش مؤثری ایفا کند. ولی تداوم این روند منجر به افزایش جدال گرای در منطقه خاورمیانه گردید.

شاخص های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در سال های ابتدایی قرن ۲۱، با تغییرات قابل توجهی روبه رو شده است که دلیل آن، دگرگونی های ساختاری نظام بین الملل می باشد. در عین حال، دگرگونی در حوزه های منطقه ای نیز در این سال ها بدون وقفه تداوم داشته است. فروپاشی نظام دو قطبی و حادثه ۱۱ سپتامبر را می توان نقاط عطف تغییرات و دگرگونی های استراتژیک در حوزه بین المللی و منطقه ای دانست. در این میان و به موازات تغییرات یاد شده، دگرگونی هایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در جهت امنیت سازی صورت گرفته است.

امنیت زمانی شکل می گیرد که کشورها از ابزارهای مناسب برای برخورد با تهدیدات نوظهور و کلاسیک برخوردار باشند. در این میان، تهدیدات فرا روی جمهوری اسلامی بیش از آن که ناشی از مؤلفه های درون ساختاری یا منطقه ای باشد، تحت تأثیر مؤلفه های بین المللی قرار دارد. این امر به دلیل ماهیت سیاسی و ایدئولوژیک نظام جمهوری اسلامی ایران می باشد، در حالی که مؤلفه های ایدئولوژیک کشورمان با آنچه که در فضای سیاسی و بین المللی مطرح می شود، متفاوت است. اهداف اولیه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بر اساس شکل بندی های ایدئولوژیک تعیین شده و رویکردهای ارایه می دهند که قادرند زمینه های تغییر شکل بندی های موجود در نظام بین الملل را فراهم کنند. در حال حاضر ساختار موجود در نظام بین الملل به گونه ای است که در آن، قدرت های غربی بر اساس قدرت اقتصادی و تکنولوژیک خویش، به برتری دست یافته اند. در عین حال، این برتری منجر به مداخله گری بی پایان قدرت های غربی در سایر کشورهای جهان شده است. اما ساختار و روند فعلی نظام بین الملل، با مؤلفه های اسلامی و ایدئولوژیک ایران در تضاد می باشد. لذا جمهوری اسلامی همواره تلاش می کند مداخله گری قدرت ها در نظام بین الملل به حداقل برسد. این سیاست بر اساس "قاعده نفی سبیل" شکل گرفته است. قاعده نفی سبیل هم به مفهوم آن است که کشورهای اسلامی نباید تحت تأثیر فشارهای ناشی از سیاست واحدهای غیر اسلامی قرار گیرند.

تقابل استراتژیک

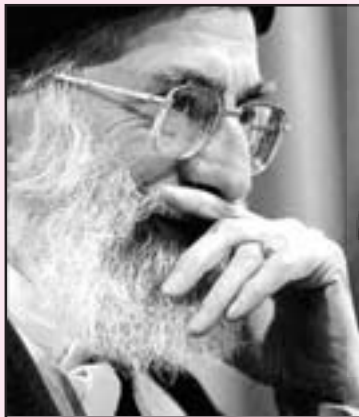
آمریکا از سال ۲۰۰۱ بدین سو، محدودیت های سیاسی و استراتژیک علیه ایران را گسترده تر کرده است. در همین راستا، اتخاذ عملیات پیشدستانه "از سوی آمریکا را باید انعکاس استراتژی و اهداف هژمونیک گرای این کشور دانست. آمریکایی ها از این گونه عملیات در کشورهای افغانستان و عراق استفاده کرده اند و انجام اقدام مشابهی علیه ایران، منتفی نشده

آمریکایی ها در دومین گام، با هدف بازسازی محور بی ثباتی در منطقه خاورمیانه، مقابله نظامی با عراق را آغاز نمودند. حمله به عراق، مطلوبیت های ویژه ای برای آمریکایی ها به همراه داشت، زیرا شرایطی به وجود آمد که بر اساس آن، برخی کشورها در رفتار و سیاست خارجی خود انعطاف پذیری بیشتری را به نمایش گذاشتند. برای مثال، لیبی و تا حدی سوریه پس از حمله آمریکا به عراق، برخی از اهداف سیاسی و استراتژیک خود را تغییر دادند.

اما از سوی دیگر، با تداوم اقدامات ستیزه جویانه و قدرت طلبانه آمریکا در عراق، نیاز این کشور به مساعدت و همکاری ایران در حل ناآرامی های عراق، در حال افزایش است. به موازات، انتظار می رود طی سال های آینده به عنوان بازتاب درگیری های نظامی و عملیاتی ایالات متحد در مرزهای همجوار با ایران، از یک سو نیازهای استراتژیک آمریکا به کشورمان و از سوی دیگر، چالش های فرآروی این کشور افزایش یابند. در این میان و در شرایطی که بحران ها به لحاظ شدت یا گستره افزایش می یابند، زمینه برای تغییر الگوی رفتاری واحدهای سیاسی جهان فراهم خواهد شد، به طوری که حتی آمریکایی ها نیز در شرایط جدید،

هوشمندی رهبری

رهبر معظم انقلاب، سال ۸۶ را سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی نامگذاری کردند.



حضرت آیت الله خامنه ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، دقایقی پس از تحویل سال نو، سال ۱۳۸۶ را سال "اتحاد ملی و انسجام اسلامی" نامگذاری کردند و فرمودند: آرزو و امید همه ایرانیان، "استقلال و عزت ملی و رفاه عمومی ملت" است، و همه این اهداف به برکت ایمان اسلامی، اتحاد کلمه، امید و عزم ملی، استفاده صحیح از ظرفیت های کشور و تدبیر و تحرک و تلاش محقق خواهد شد. رهبری با یادآوری جنگ روانی و تلاش های موزیانه دشمنان برای ایجاد اختلاف و تفرقه در میان ملت ایران و جهان اسلام، افزودند: دشمنان به بهانه هایی همچون قومیت، مذهب و گرایش های صنفی، درصددند وحدت کلمه ملت ایران را از بین ببرند و با دامن زدن به اختلافات مذهبی جهان اسلام و به راه انداختن جنگ شیعه و سنی، میان ملت ایران و جوامع اسلامی فاصله ایجاد کنند.

ایشان در بخش دیگری از پیام نوروزی شان، ایجاد تفرقه و تضعیف وحدت ملی ایرانیان و به وجود آوردن مشکلات اقتصادی برای متوقف کردن پیشرفت کشور را دو روش عمده دشمنان برای مقابله با ملت و نظام جمهوری اسلامی ایران برشمردند و با اشاره به ابلاغ سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و فراهم بودن زمینه برای فعالیت های اقتصادی، فرمودند: "تلاش اقتصادی

همه مردم از جمله نیروهای ملی و معتقد به آرمان های بلندمدت و استفاده از قابلیت های فراوان داخلی، خنثی کننده تلاش های دشمنان برای متوقف کردن روند آبادانی و پیشرفت کشور خواهد بود." بدین ترتیب، بار دیگر رهبری با ذکاوت و هوشمندی خویش، بر لزوم اتحاد ملی در داخل و انسجام اسلامی در سطح جهان اسلام تأکید کردند و با انتخاب سال ۸۶ به عنوان سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی، لزوم آمادگی و هوشیاری برای مقابله با تلاش هاش دشمنان در جهت ایجاد اختلاف و تفرقه میان ملت ایران و جهان اسلام را متذکر شدند.



شکل بندی های سیاست خارجی خود را با تغییراتی اجتناب ناپذیر مواجه می بینند.

بدین ترتیب، جدال های استراتژیک آمریکا در شرایطی تداوم یافته است که تاکتیک های رفتاری سیاست خارجی این کشور در برخورد با کشورمان متنوع تر شده است. این امر به مفهوم این است که زمینه های تغییر مرحله ای رفتار آمریکا نسبت به ایران وجود دارد. در همین راستا، اگر چه پیامد سیاست های جدید آمریکا در کشور عراق هنوز مشخص نیست، ولی شواهد نشان می دهند که عراق و آینده سیاسی آن، نقش مؤثری در شکل بندی های روابط استراتژیک آمریکا و ایران بر جای خواهد گذاشت؛ هر چند احتمال می رود در شرایط مبتنی بر ابهام استراتژیک، اقدامات سیاسی و امنیتی آمریکا علیه کشورمان افزایش یابد.

انگیزه، اسطوره و ایدئولوژی ایرانی

ایران به محدودیت های آمریکا در منطقه خاورمیانه واقف است، لذا تلاش دارد تا از این محدودیت ها در جهت ارتقای موقعیت و منافع خود استفاده کند. در عین حال، جمهوری اسلامی ایران بر این امر واقف است که حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس، محدودیت هایی را برای آن به وجود آورده است. البته حتی بدون وجود این گونه محدودیت ها، نوع دیگری از ستیز سیاسی و امنیتی آمریکا علیه ایران شکل می گرفت.

اما ایران در برخورد با آمریکا و سایر واحدهای سیاسی، خود را کشور ضعیفی نمی پندارد. به همین دلیل، اگر چه قدرت نظامی اش محدود است، اما طی سال های گذشته تلاش نموده تا اقتدار خود را از طریق بازسازی و ساخت تجهیزات و ابزارهای نظامی متنوع تقویت کند. این امر، انگیزه ایران برای ایفای نقش را به وضوح نشان می دهد، زیرا ایران حوزه نفوذ خود را فراتر از مرزهای جغرافیایی اش می داند و تلاش می نماید تا نقش سازنده ای در روابط منطقه ای و بین المللی ایفا کند.

در این شرایط، انگیزش های ایرانی و قالب های ایدئولوژیک با یکدیگر ترکیب شده اند و مقاومت در برابر تهدیدات آمریکا را افزایش داده اند. در واقع، اگر چه دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران پایان یافته اما خاطره مقاومت آن در ذهن زمامداران و شهروندان ایرانی و حتی ناظران خارجی باقی مانده است. این امر نشان می دهد خاطره مقاومت و پیروزی، اثراتی به مراتب بیشتر از انفعال و شکست دارد. این مسأله بر شدت انگیزه مقاومت در برابر فشارهای آمریکا خواهد افزود. در این میان، آمریکایی ها که قادر نخواهند بود به گونه ای یک جانبه با سیاست خارجی و اهداف استراتژیک ایران برخورد کنند، تلاش خواهند کرد الگوی همکاری جویانه ای را با سایر کشورها به ویژه اروپای متحد در روابط متقابل به وجود آورند. چنین الگویی را می توان در تلاش آمریکا برای دستیابی به یک اجماع عمومی در خصوص پرونده هسته ای

ایران مشاهده نمود. در مقابل، گرایش ایران به نیروی سوم را باید به عنوان عامل دیگری دانست که بر اساس آن، مبادرت به همکاری استراتژیک با کشورهایی می نماید که بتوانند جایگزین مطلوب و مؤثری برای آمریکا گردند.

سناریوهای نهایی

بنابر آنچه گفته شد، می توان به چند جمع بندی به شرح زیر رسید:

(الف) روندهای تضاد در روابط استراتژیک ایران و آمریکا طی سال های آینده و تا زمانی که سیاست هژمونیک گرای این قدرت ادامه داشته باشد، تداوم خواهد یافت.

(ب) در این دوران، آمریکا تلاش های خود را برای اعمال محدودیت علیه جمهوری اسلامی ایران افزایش خواهد داد.

(ج) مخالفت اروپای متحد با مداخلات منطقه ای آمریکا و چالش هایی که در برابر سیاست مداخله جویانه این کشور ایجاد شده است را می توان به عنوان زمینه ای برای همکاری در روابط ایران و اروپا در تقابل با هژمونیک گرای آمریکا دانست.

(د) بحران های منطقه ای فراروی آمریکا به گونه ای خواهد بود که ابتکار عمل کشور در برخورد با تهدیدات را کاهش می دهد. بنابراین می توان شرایطی را در نظر گرفت که از یک سو، زمینه محدودسازی جدال ها و منازعات آمریکا در برخورد با ایران به وجود می آید و از سوی دیگر، شواهدی را ملاحظه کرد که نیاز آمریکا به مشارکت با ایران افزایش می یابد. در چنین شرایطی، سطح تعارضات آمریکا علیه ایران به شکل مرحله ای، کاهش خواهد یافت.

(ه) تهدیدات آمریکا علیه ایران در مقایسه با سایر چالش های موجود، افزایش خواهد یافت. البته این امر به منزله ظهور تهدیدات پرشدت علیه ایران نیست، زیرا قابلیت های اقتصادی و استراتژیک ایران به میزانی است که امکان مانور این کشور در قبال این

تهدیدات را افزایش داده است. در این شرایط، ایران برای مقابله با بحران های ناشی از کنش استراتژیک آمریکا، به اقدامات تلافی جویانه و همچنین مقابله جویانه مبادرت خواهد کرد. این امر به عنوان زیربنای فعالیت های استراتژیک ایران در روند همکاری های سازنده تلقی می شود.

(و) اگر آمریکا تلاش نماید تا تهدیدات کم شدت را علیه ایران سازمان دهی کند. این امر را می توان به عنوان زمینه ای برای همکاری محدود در سطح منطقه و تلاش برای بی ثباتی سیاسی در داخل نیز تلقی نمود.

(ز) در این میان، اگر چه همکاری گرای استراتژیک در شرایط موجود ایجاد نخواهد شد، اما شواهد منطقه ای و بین المللی نشان می دهند که زمینه آغاز شکل های جدیدی از روابط دوجانبه و چندجانبه وجود خواهد داشت. این گونه زمینه ها و بسترهای تاریخی را می توان به عنوان مقدمه ای برای شکل گیری "تعامل سازنده" دانست، زیرا تعامل سازنده اقدامی برای حضور فعال تر و قدرتمندانه تر در حل مرحله ای تعارضات و بازسازی مؤثر روابط برای نیل به اهداف امنیتی می باشد.

(ح) تکروی آمریکا در پیشبرد برنامه های استراتژیک خود در منطقه و عدم همکاری سایر بازیگران قدرتمند جهانی با این کشور، میدان مانور ایران را در تعارض با آمریکا به سطح نظام بین المللی توسعه داده و در روابط متقابل ایران با کشورهای اروپایی، چین و روسیه نقش داشته است. تردیدی نیست که هیچ یک از این قدرت های نظاره گر تمایل ندارند که آمریکا قدرت بلامنزاع در منطقه حساس و استراتژیک خاورمیانه باقی بماند.

گردآوری و اقتباس: ماهنامه «اقتصاد ایران» از سند دکترین تعامل سازنده، راهکارهای اجرایی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سند چشم انداز ۲۰ ساله کشور.